

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)
علمی - پژوهشی
سال ششم - شماره سوم - پائیز ۱۳۹۲ - شماره پیاپی ۲۱

کاربرد واژه‌ها و ترکیبهای عربی در دیوان رودکی

(ص ۱۷ - ۱)

سیدمحمد رضا ابن‌الرسول^۱، فهیمه مارانی (نویسنده مسئول)^۲
تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۲/۲۱
تاریخ پذیرش قطعی: ۹۲/۸/۴

چکیده

در مقاله حاضر، نگارندگان پس از یک جستجوی میدانی در سروده‌های بازمانده از رودکی، کمیت و کیفیت کاربرد شاعر از کلمات و ترکیبات عربی را مشخص کرده‌اند. نیز در مقام پاسخی برای این سؤال برآمده‌اند که آیا میتوان از بسامد کاربرد کلمات و ترکیبات عربی و چگونگی به کارگیری آنها در سروده‌های مسلّم رودکی، معیاری برای بازشناسی اشعار منسوب به او ارائه کرد. با توجه به این بررسی، میتوان در انتساب بیتهایی که بیش از چهار واژه عربی در آنها به کار رفته، تردید کرد.

کلمات کلیدی

رودکی، کلمات، ترکیبات، زبان عربی، سبک‌شناسی

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان marani.f.87@gmail.com

مقدمه

«زبان عربی و فارسی در طول دورانهای تاریخی به علت ارتباط مستمر دو قوم ایرانی و عرب با یکدیگر، تعامل بسیار نزدیکی داشته‌اند و در این مسیر، تأثیر و تأثر دو زبان آثاری را بر یکدیگر باقی گذاشته است. البته این رابطه و تأثیر و تأثر پس از ورود اسلام به ایران افزایش یافته است، که شاید در هیچ دو زبان دیگری مشاهده نشود» (بررسی املایی، معنایی و بسامدی کلمات و عبارات عربی در گلستان سعدی، یزدان‌زاده: ص ۱۴).

«تأثیر زبان عربی در شعر فارسی به صورتهای زیر روی میدهد:

الف) به کارگیری کلمات خاص شعر و نثر تازی در ادبیات فارسی؛

ب) تضمین ابیات عربی در شعر فارسی؛

ج) ترجمه ابیات عربی به شعر فارسی» (همان، ص ۱۶).

وام‌گیری واژه‌ها به عنوان بارزترین شکل تأثیرپذیری زبان فارسی از عربی، از سده‌های نخست هجری آغاز شد و در قرن چهارم و پنجم افزایش چشمگیری یافت. این تأثیرات در آثار شعرا و نویسندگان به وضوح دیده میشود.

یکی از بزرگترین شاعران قرن چهارم هجری، رودکی نخستین شاعر صاحب دیوان و پدر شعر کهن فارسی است. ابوعبدالله جعفر بن محمد رودکی سمرقندی، مشهور به استاد شاعران، احتمالاً در اواسط سده سوم هجری در قریه رودک از قرای رودک سمرقند دیده به جهان گشود و به همین روستا هم منتسب گردید و در سال ۳۳۰ یا ۳۴۳ هجری (۹۴۱ یا ۹۵۴ م) درگذشت.

رودکی بسان همه آنانکه در تجدید حیات ادبیات منظوم و منثور فارسی سهیمند، در حد گسترده‌ای از فرهنگ عربی آگاه بود، چرا که اینان همگی ذولسانین بوده‌اند. وی بویژه در اقبال به زبان عربی و آموختن آن، از خود نبوغ نشان داد و حتی حفظ قرآن کریم را در هشت سالگی به انجام رسانید و در همان سالها به شاعری پرداخت. آشنایی او با زبان عربی، موجب شده کلمات، ترکیبات، تلمیحات، تشبیهات، استعاره‌ها و مضامین عربی به شعر او راه یابد.

از آنجا که رودکی نخستین شاعر صاحب دیوان فارسی است، بررسی تأثیرات زبان و ادبیات عربی در اشعار او که یکی از مصادر ادب فارسی است، نکات مهمی را درباره رابطه دو زبان در زمان شاعر روشن میسازد. همچنین میزان کاربرد کلمات عربی در نخستین دیوان شعر فارسی مشخص میشود و دستمایه‌ای برای پژوهش در خصوص نفوذ و گسترش زبان عربی در زبان فارسی تواند بود.

این جستار نیز در مقام پاسخی برای این سؤال برآمده است که آیا میتوان از بسامد کاربرد کلمات و ترکیبات عربی و چگونگی به کارگیری آنها در سروده‌های مسلّم رودکی معیاری برای بازشناسی اشعار منسوب به او ارائه کرد.

بدین منظور در این مقاله - که برآمده از پژوهشی گسترده‌تر است - نخست کلمات و ترکیبات عربی موجود در دیوان رودکی بر اساس چاپ جعفر شعار استخراج شده و بسامد آنها مورد بررسی قرار گرفته، سپس به بیان تفاوت‌های لفظی و معنایی آنها در مقایسه با اصل عربی این کلمات پرداخته شده است.

در این زمینه کتابها و مقالاتی را میتوان یافت که بصورت کلی به واژه‌های شعر رودکی پرداخته‌اند. از آن جمله میتوان به کتاب «لغات و ترکیبات رودکی» نوشته عسکر حقوقی اشاره نمود. در این اثر، مؤلف با استفاده از مآخذی نظیر لغت فرس به واژه‌ها و ترکیبات موجود در اشعار رودکی پرداخته است. همچنین در مقاله‌ای با عنوان «ریشه‌شناسی برخی لغات شعر رودکی» نوشته محمود جعفری دهقی، چند واژه از شعر رودکی با توجه به ریشه آنها بررسی شده است.

این مقاله کوششی برای تبیین نتایجی جزئیتر در زمینه راه‌یابی کلمات عربی در شعر رودکی است. نیز نتایج این پژوهش میتواند در انتساب برخی ابیات سرگردان به رودکی به کار آید.

۲. شیوه شمارش کلمات

به منظور فراهم آوردن فهرست بسامدی کلمات، روش زیر برای یکسانی در جداسازی واژه‌ها در پیش گرفته شده است. این روش نتیجه بررسی شیوه‌های موجود در آثار مشابه و مشورت با صاحب‌نظران است:

- ضمیرهای شخصی گسسته و پیوسته به صورت یک واژه مستقل شمارش شده است.
- ترکیبات اضافی، وصفی و تشبیهی مقلوب دو واژه شمارش شده است، مانند: سروبن، خو بروی، نارپستان.
- حروف اضافه و حروف ربط یک واژه مستقل شمارش شده است.
- فعلهای پیشونددار یک واژه شمارش شده است، مانند: برفروزد.
- هر کدام از اجزاء فعلهای دو جزئی یک واژه شمارش شده است، مانند: نگه کن.
- صفات فاعلی مرکب مرخم دو واژه شمارش شده است، مانند: سخندان.
- پیشوندهای «بی» و «نا» با کلمه پس از آن یک واژه شمارش شده است، مانند: بی‌خرد، ناراه.

- پسوندهای «تر» و «ترین» با کلمه قبل از آن یک واژه شمارش شده است، مانند: مهتر.
 - هرگاه «هر» و «هیچ» جزء آغازین یک صورت زبانی بوده، آن صورت زبانی دو واژه شمارش شده است، مانند: هرچیز، هرچند، هرکه، هرگه، هرگونه، هیچکس.
 - «آنکه»، «آنچه»، «آنگاه»، «گرچه»، «همچو»، «همچنین»، «اینچنین»، «اینچنینان» و «چونان» هرکدام یک واژه شمارش شده است.
 - «کز»، «وَر»، «وَز»، «زوی»، «زان»، «وین»، «نَز»، «پرو»، «کو»، «زو» دو واژه شمارش شده است.

- اسامی خاص اشخاص، امکانه، کتب، حیوانات و اجزاء وابسته به آنها شمارش نشده است، مانند: رستم، حاتم طایی، میر ابوالفضل، بخارا، ابستا، دمنه.

- واژه‌های فارسی معرب که بدون تغییر شکل ظاهری و تنها با افزودن الف و لام در زبان عربی به کار می‌رود، به عنوان واژه فارسی شمارش شده است، مانند: الدشت. اما واژه‌های معرب از فارسی و زبانهای دیگر که شکل ظاهری آنها در زبان عربی تغییر کرده، به عنوان واژه عربی در نظر گرفته شده است، مانند: «دهقان» معرب از واژه فارسی «دهگان»، «یاقوت» معرب از «یاکند» فارسی و یا معرب از «هیاکین تس» یونانی.

- در این بررسی کلماتی بکار رفته بود که در مورد فارسی یا عربی بودن آنها اقوال مختلفی وجود داشت. این کلمات، بسته به اینکه در کتابهای لغت غالباً واژه فارسی یا عربی معرفی شده‌اند، به عنوان واژه فارسی و یا عربی در نظر گرفته شده است. معانی این نمونه‌ها نخست در فرهنگ فارسی معین و سپس در لغتنامه دهخدا و لسان‌العرب ابن‌منظور جستجو شده است. این کلمات عبارتند از: یاقوت (عربی)، عنبر (عربی)، بلبل (عربی)، رَسَن (عربی)، قیر (عربی)، دینار (عربی)، جوشن (عربی)، ای (عربی)، مهار (فارسی)، باغ (فارسی)، دین (فارسی)، دکان (فارسی)، خیری (فارسی)، دبیر (فارسی).

۳. کلمات عربی در شعر رودکی

با توجه به اینکه بررسی واژه‌های عربی دخیل در شعر رودکی ملزم به استخراج این وام واژه‌هاست، از این رو نخست کلمات موجود در شعر رودکی اعم از فارسی، عربی و ترکیبات فارسی عربی، استخراج شده سپس بسامد هر دسته از آنها مشخص گردیده است.

تدقیق در وام واژه‌های استخراج شده نشان می‌دهد که رودکی بیشترین وام‌گیری را از اسمهای عربی داشته و افعال و حروف عربی کمتر به شعر او راه یافته است.

۳-۱. بسامد و درصد کلمات عربی

تعداد کل کلمات و ترکیبات به کار رفته در سروده‌های بازمانده از رودکی ۱۱۲۲۱ واژه است که از این تعداد ۱۰۱۶۷ واژه فارسی و ۹۰۱ واژه عربی است. جدول زیر درصد این کلمات را با توجه به بسامد آنها نشان میدهد:

نوع کلمات	تعداد	نسبت (به درصد)
کلمات فارسی	۱۰۱۶۷	۹۰/۶۰
کلمات عربی	۹۰۱	۸/۰۳
ترکیبات فارسی عربی	۱۵۳	۱/۳۷
کل	۱۱۲۲۱	۱۰۰

۳-۲. تکرار کلمات عربی

از سروده‌های منسوب به رودکی ۸۲۳ بیت مسلّم او مورد بررسی قرار گرفته است که شاعر در ۳۱۳ بیت فقط از کلمات فارسی و در ۵۱۰ بیت از کلمات و ترکیبات فارسی عربی، استفاده نموده است.

همانگونه که گذشت در این ابیات ۹۰۱ واژه عربی و ۱۵۳ ترکیب فارسی عربی بکار رفته است که البته برخی از این واژه‌ها یک یا چند بار تکرار شده‌اند. همچنین از بین واژه‌های عربی ۴۵۴ واژه، تنها یک بار در شعر رودکی کاربرد داشته‌اند. جدول زیر این کلمات مکرر را به همراه دفعات تکرار آنها نشان میدهد:

بسامد	کلمه	شماره	
		تفکیکی	پیایی
	الف		
۴۹	ای	۱	۱
۱۹	امیر/میر	۲	۲
۷	آخر	۳	۳
۵	ایا	۴	۴
۴	ادب	۵	۵
۲	ابله	۶	۶
۲	اثر	۷	۷
۲	اصل	۸	۸
۲	اعور	۹	۹
۲	اول	۱۰	۱۰
۲	اهل	۱۱	۱۱
۲	ایمان	۱۲	۱۲
	ب		
	تفکیکی		
۵	بلا	۱	۱۳

۱۴	۲	برق	۴
۱۵	۳	بلبل	۳
۱۶	۴	بخیل	۲
		تفکیکی	
		پیایی	
۱۷	۱	تمام	۶
۱۸	۲	تاج	۲
۱۹	۳	تقصیر	۲
		تفکیکی	
		پیایی	
۲۰	۱	جمله	۶
۲۱	۲	جود	۵
۲۲	۳	جعد	۳
۲۳	۴	جور	۳
۲۴	۵	جهد	۳
۲۵	۶	جاه	۲
۲۶	۷	جرم	۲
۲۷	۸	جماش	۲

۲	جیم	۹	۲۸
پی‌پی تفکیکی			
۷	حال	۱	۲۹
۶	حکمت	۲	۳۰
۴	حدیث	۳	۳۱
۴	حیران	۴	۳۲
۳	حق	۵	۳۳
۲	حاجت	۶	۳۴
۲	حاسد	۷	۳۵
۲	حبیب	۸	۳۶
۲	حکم	۹	۳۷
۲	خُله	۱۰	۳۸
۲	خُملان	۱۱	۳۹
۲	حوادث	۱۲	۴۰
پی‌پی تفکیکی			
۱۲	خُلق	۱	۴۱
۴	خال	۲	۴۲
۳	خدمت	۳	۴۳
۳	خیل	۴	۴۴
۲	خاص	۵	۴۵
۲	خالی	۶	۴۶
۲	خبر	۷	۴۷
۲	خصم	۸	۴۸
۲	خضاب	۹	۴۹
۲	خلعت	۱۰	۵۰
۲	خُلقان	۱۱	۵۱
۲	خُیاط	۱۲	۵۲
پی‌پی تفکیکی			
۸	دولت	۱	۵۳
۶	دُرّ	۲	۵۴
۴	دینار	۳	۵۵
۲	دایم	۴	۵۶
۲	دون	۵	۵۷
۲	دهقان	۶	۵۸
پی‌پی تفکیکی			
۲	ذرع	۱	۵۹
۲	ذَلّ	۲	۶۰
پی‌پی تفکیکی			
۳	راحت	۱	۶۱
۳	رای	۲	۶۲
۳	رعد	۳	۶۳
۲	رَسَن	۴	۶۴
۲	رفیق	۵	۶۵
پی‌پی تفکیکی			
۹	زلف	۱	۶۶
۲	زرع	۲	۶۷
۲	زمان	۳	۶۸

پی‌پی تفکیکی			
۶	سیرت	۱	۶۹
۴	سِفله	۲	۷۰
۲	ساقی	۳	۷۱
۲	سَخا	۴	۷۲
۲	سَخاوت	۵	۷۳
پی‌پی تفکیکی			
۱۰	شعر	۱	۷۴
۳	شاعر	۲	۷۵
۳	شهره	۳	۷۶
۲	شعله	۴	۷۷
پی‌پی تفکیکی			
۴	صف	۱	۷۸
۲	صافی/اصاف	۲	۷۹
۲	صعوه	۳	۸۰
۲	صلح	۴	۸۱
۲	صید	۵	۸۲
پی‌پی تفکیکی			
۲	ضعیف	۱	۸۳
پی‌پی تفکیکی			
۴	طرب	۱	۸۴
۳	طبع	۲	۸۵
۳	طری	۳	۸۶
۲	طاقت	۴	۸۷
۲	طاووس	۵	۸۸
۲	طرفه	۶	۸۹
۲	طلب	۷	۹۰
۲	طلعت	۸	۹۱
پی‌پی تفکیکی			
۸	عشق	۱	۹۲
۵	عذر	۲	۹۳
۴	عاشق	۳	۹۴
۴	عجب	۴	۹۵
۴	عزیز	۵	۹۶
۴	عطا	۶	۹۷
۴	عُمَر	۷	۹۸
۴	عنبر	۸	۹۹
۳	عدل	۹	۱۰۰
۳	عدو	۱۰	۱۰۱
۳	عذاب	۱۱	۱۰۲
۳	عقیق	۱۲	۱۰۳
۳	عِلْم	۱۳	۱۰۴
۳	عود	۱۴	۱۰۵
۳	عیش	۱۵	۱۰۶
۲	عاجز	۱۶	۱۰۷
۲	عافیت	۱۷	۱۰۸
۲	عالم	۱۸	۱۰۹

کاربرد واژه ها و ترکیبهای عربی در دیوان رودکی / ۷

۲	عَدَن	۱۹	۱۱۰
۲	عَرُوس	۲۰	۱۱۱
۲	عَصَا	۲۱	۱۱۲
۲	عَطَارِد	۲۲	۱۱۳
۲	عَفُو	۲۳	۱۱۴
	غ	تفکیکی	پیاپی
۱۴	غَم	۱	۱۱۵
۲	غَزَل	۲	۱۱۶
۲	غُول	۳	۱۱۷
	ف	تفکیکی	پیاپی
۵	فُلْک	۱	۱۱۸
۴	فَضَل	۲	۱۱۹
۲	فَتَى	۳	۱۲۰
۲	فَتْنَه	۴	۱۲۱
۲	فَقِیر	۵	۱۲۲
	ق	تفکیکی	پیاپی
۳	قَدْر	۱	۱۲۳
۳	قَضَا	۲	۱۲۴
۲	قَالَب	۳	۱۲۵
۲	قَامَت	۴	۱۲۶
۲	قَد	۵	۱۲۷
۲	قَدَح	۶	۱۲۸
۲	قَرْبَان	۷	۱۲۹
۲	قَصَه	۸	۱۳۰
۲	قَطَار	۹	۱۳۱
۲	قَطْرَه	۱۰	۱۳۲
۲	قَهْر	۱۱	۱۳۳
۲	قِیَامَت	۱۲	۱۳۴
۲	قِیر	۱۳	۱۳۵
	ک	تفکیکی	پیاپی
۶	کَفّ	۱	۱۳۶
۳	کَفَن	۲	۱۳۷
۲	کَافُور	۳	۱۳۸
۲	کَرِیم	۴	۱۳۹
۲	کُوس	۵	۱۴۰
	ل	تفکیکی	پیاپی
۶	لِیْکِن/لِیْک	۱	۱۴۱
۵	لَعْل	۲	۱۴۲
۳	لَا	۳	۱۴۳
۳	لَطِیف	۴	۱۴۴
۲	لَفْظ	۵	۱۴۵
	م	تفکیکی	پیاپی
۱۵	مَدَح	۱	۱۴۶
۷	مَلِک	۲	۱۴۷
۴	مَجْلِس	۳	۱۴۸
۴	مِدْحَت	۴	۱۴۹
۴	مَلُوک	۵	۱۵۰

۳	مَرَجَان	۶	۱۵۱
۲	مُدَام	۷	۱۵۲
۲	مَدَائِح	۸	۱۵۳
۲	مَعَايِنَه	۹	۱۵۴
۲	مُلْک	۱۰	۱۵۵
۲	مَلْک	۱۱	۱۵۶
	ن	تفکیکی	پیاپی
۱۲	نَعْمَت	۱	۱۵۷
۷	نَبِیذ/نَبِید	۲	۱۵۸
۴	نَحْس	۳	۱۵۹
۳	نَشَاط	۴	۱۶۰
۲	نَزْهَت	۵	۱۶۱
۲	نَسِیم	۶	۱۶۲
۲	نَقْش	۷	۱۶۳
۲	نَقْصَان	۸	۱۶۴
۲	نَقْطَه	۹	۱۶۵
	و	تفکیکی	پیاپی
۴	وَاجِب	۱	۱۶۶
۳	وَقْت	۲	۱۶۷
۲	وَفَا	۳	۱۶۸
	ه	تفکیکی	پیاپی
۳	هَوَا (هَوَاء)	۱	۱۶۹
۲	هَجْر	۲	۱۷۰
	ی	تفکیکی	پیاپی
۴	یَاقُوت	۱	۱۷۱
۶۱۸			جمع

گفتنی است «مدام» که دو بار در دیوان رودکی بکار رفته، در یکجا به معنی «مستمر» و در جای دیگر به معنی «می» است که چون هر دو از یک ریشه‌اند، در جدول فوق یکجا حساب شده است.

۳-۳. میانگین کلمات عربی در هر بیت

در ابیاتی که شامل واژه‌های عربی است، به صورت میانگین در هر بیت دو واژه عربی بکار رفته است. همچنین این پنج بیت بیشترین شمار واژه‌های عربی (۶ واژه) را دارند:

همچو معماست فخر و همت او شرح همچو ابستاست فضل و سیرت او زند
(دیوان شعر رودکی، شعار: ص ۲۰)

ای ملک از حال دوستانش همی ناز ای فلک از حال دشمنانش همی خند
(دیوان شعر رودکی، شعار: ص ۳۸)

لا جرم از جود و از سخاوت اوی است نرخ گرفته حدیث و صامت ارزان
(دیوان شعر رودکی، شعار: ص ۳۸)

از جود قبا داری پوشیده مشهر وز مجد بنا داری بربرده مشید
(دیوان شعر رودکی، شعار: ص ۷۹)

واجب نبود به کس بر افضال و کرم واجب باشد هر آینه شکر نعم
(دیوان شعر رودکی، شعار: ص ۵۹)

قابل ذکر است که بیت زیر با نه واژه عربی در دیوان رودکی چاپ جعفر شعار در ضمن ابیات مسلّم رودکی آورده شده است.

ای شاه نبی سیرت، ایمان تو محکم ای میر علی حکمت، عالم به تو درغال
(دیوان شعر رودکی، شعار: ص ۸۶)

اما با معیاری که محاسبات این مقاله دست میدهد، باید در انتساب این بیت به رودکی تردید کرد، چنانکه قادر رستم در دیوانی که اخیراً از سروده‌های رودکی فراهم آورده، آن را سروده قطران تبریزی دانسته است (دیوان رودکی سمرقندی، رستم: ص ۹۴).

در سروده‌های رودکی ابیات بسیاری وجود دارد که حداقل یک واژه عربی در آنها به کار رفته است. برای نمونه بیت زیر:

جان تُرنجیده و، شکسته دل گویی از غم همی فرو گسلم
(دیوان شعر رودکی، شعار: ص ۸۹)

از ۸۲۳ بیت مسلّم رودکی که مورد بررسی قرار گرفته است، شاعر در ۳۱۳ بیت تنها از کلمات فارسی استفاده نموده است که این ابیات ۳۸/۰۴ درصد از کل ابیات را به خود

اختصاص داده است. این بیت نمونه‌ای است از ابیاتی که در آن هیچ واژهٔ عربی به کار نرفته است.

بیا، اینک نگه کن رودکی را
اگر بی‌جان روان خواهی تنی را
(دیوان شعر رودکی، شعار: ص ۱۲)

۴. ترکیبات فارسی و عربی در شعر رودکی

زبان فارسی تحت تأثیر عوامل مذهبی، سیاسی و اجتماعی، بسیار از زبان عربی تأثیر پذیرفته است. وامگیری در حوزهٔ واژه و دستور، به عنوان بارزترین شکل تأثیرپذیری زبان فارسی از عربی از سده‌های نخست هجری آغاز شد و در قرن چهارم و پنجم افزایش چشمگیری یافت. در پی این وامگیری، کلمات بی‌شماری از زبان عربی وارد زبان فارسی شده، در حالیکه در بسیاری از موارد معادل آن نیز در زبان فارسی وجود داشته است. لازم به ذکر است که زبان فارسی تنها به وامگیری واژه‌ها بسنده نکرده، بلکه از این نیز فراتر رفته و با ترکیب کردن کلمات عربی و فارسی واژه‌های جدید ساخته و غنیر شده است. با توجه به اینکه چنین ترکیباتی در زبان فارسی فراوانند، بررسی آنها در شعر رودکی میتواند نکات جزئیتری را در میزان تأثیرپذیری و تأثیرگذاری این دو زبان بر یکدیگر بیان کند. کلمات مرکب متشکل از عربی و فارسی را با توجه به نمونه‌های موجود در سروده‌های بازمانده از رودکی میتوان به انواع زیر تقسیم کرد:

افعال شبه مرکب، مانند: مبادرت کن، جهد کن، میطلبیم؛

اسمهای مرکب، مانند: سحر گاهان، توبه شکن، غمخواره؛

صفات مرکب، مانند: لطیف‌دست، جمّاش چشم، زرین‌ورق؛

قیده‌های مرکب: جولان کنان.

چنانکه از مثالها روشن شد، در این ترکیبها گاه جزء نخست و گاه جزء پایانی عربی است. گفتنی است در این جستار، همهٔ واژه‌های عربی که با پسوندها و پیشوندهای فارسی آمیخته‌اند هم، ترکیب فارسی - عربی / عربی - فارسی به شمار آمده‌اند.

۴-۱. بسامد، درصد و مکررات کلمات مرکب

شمار ترکیبات عربی - فارسی / فارسی - عربی به کار رفته در اشعار رودکی ۱۵۳ ترکیب است که ۱/۳۷ درصد از کل کلمات را به خود اختصاص داده است. برخی از این ترکیبات بیش از یک بار تکرار شده که عبارت است از: امیری (۲) - اولیاش (۳) - بی‌وفا (۲) - زمانه

(۲۲) - زمانی (۷) - زلفکان (۳) - زلفک (۲) - زلفین (۲) - سنانش (۲) - شاعران (۳) -
 غمان (۲) - ملکان (۲) - میران (۲). اعداد داخل کمانک، تعداد تکرار این ترکیبات را نشان
 می‌دهد.

با توجه به بررسی‌های انجام شده، شمار ترکیبات به مراتب کمتر از شمار واژه‌های عربی
 مفرد است.

۴-۲. میانگین ترکیبات فارسی - عربی / عربی - فارسی در هر بیت

در ابیاتی که شامل کلمات مرکب است نیز به صورت میانگین یک ترکیب فارسی عربی به
 کار رفته است. همچنین این بیت بیشترین شمار ترکیب (سه ترکیب) را دارد:

من و آن جعدموی غالیه‌بوی من و آن ماهروی حورنژاد
 (دیوان شعر رودکی، شعار: ص ۱۷)

۵. ترکیبات عربی و قرآنی در شعر رودکی

ترکیبات عربی از مواردی است که به زبان فارسی راه یافته است. بدین معنی که دو یا چند
 کلمه با هم به عنوان یک کلمه مرکب در فارسی به کار می‌رود. در برخی از ابیات بازمانده از
 رودکی نیز چند ترکیب عربی و قرآنی به کار رفته است که عبارتند از:

با دو سه بوسه رها کن این دل از درد خُناک تا به مَنّت احسان باشد، أحسن الله جزاک
 (دیوان شعر رودکی، شعار: ص ۸۵)

شب عاشقّت لیلۃ القدر است چون تو بیرون کنی رخ از جلیب
 (دیوان شعر رودکی، شعار: ص ۱۴)

الهی، از خودم بستان و گم کن به نور پاک بر من اُشْتَلَم کن
 (دیوان شعر رودکی، شعار: ص ۹۱)

بر رُخْش زلف عاشق است چو من لاجرم همچو مَنش نیست قرار
 (دیوان شعر رودکی، شعار: ص ۲۶)

لاجرم از جود و از سخاوت اوی است نرخ گرفته حدیث و، صامت ارزان
 (دیوان شعر رودکی، شعار: ص ۳۸)

خشمش آمد و همانگه گفت: ویک خواست کو را برگند از دیده کیک
 (دیوان شعر رودکی، شعار: ص ۸۵)

ماده گفتا هیچ شرمت نیست، ویک چون سبکساری، نه بد دانی نه نیک
 (دیوان شعر رودکی، شعار: ص ۸۵)

چرا عمر کرکس دو صد سال؟ ویحک نمائند فزونتر ز سالی پرستو
(دیوان شعر رودکی، شعار: ص ۹۳)

مرا بسود و فروریخت هرچه دندان بود نبود دندان، لا بل چراغ تابان بود
(دیوان شعر رودکی، شعار: ص ۲۲)

۶. دگرگونی وام واژه‌های عربی در شعر رودکی

۶-۱. **تغییرات لفظی:** تغییرات لفظی انواع مختلفی را شامل می‌شود که ما در اینجا با توجه به کلمات عربی دخیل در شعر رودکی به بیان نمونه‌هایی از آن می‌پردازیم. گفتنی است ارائهٔ این نمونه‌ها به معنی آن است که یا این تصرفات در میان گویشوران فارسی زمان رودکی رایج بوده و رودکی تنها آنها را گزارده است و یا رودکی خود برای نخستین بار پدیدآورندهٔ این تغییرات بوده است:

- تغییر حرکات کلمات؛ چنانکه «جَوْلان» را باید به صورت «جَوْلان» تلفظ کرد:

اسب، ما را ز آرزوی روی او زیر ران، جولان کنان آید همی
(دیوان شعر رودکی، شعار: ص ۴۳)

در اینجا یادآوری می‌کنیم که رودکی گاه کلمه را با همان ضبط عربی - و نه صورت رایج کنونیش - به کار می‌برد، چنانکه در خصوص کلمهٔ «حِنّا» در بیت زیر شاهدیم:

لاله میان کشت بخندد همی ز دور چون پنجهٔ عروس به حِنّا شده خضیب
(دیوان شعر رودکی، شعار: ص ۱۳)

- امالهٔ کلمات عربی؛ چنانکه «جلباب»، «حجاب»، «لکن - لکن» و «موسی - موسا» را باید به ترتیب به شکل «جلبیب»، «حجیب»، «لیکن» و «موسی» نوشت و خواند:

شب عاشقّت، لیلۃ القدر است چون تو بیرون کنی رخ از جلبیب
(دیوان شعر رودکی، شعار: ص ۱۴)

گر من این دوستی تو ببرم تا لب گور بزخم نعره و، لیکن ز تو بینم هنرا
(دیوان شعر رودکی، شعار: ص ۱۲)

ور به بلور اندرون بینی، گویی گوهر سرخ است به کفّ موسی عمران
(دیوان شعر رودکی، شعار: ص ۳۴)

- حذف همزه از آخر کلمات ممدود

حذف همزه از آخر کلمات ممدود - که به آن قصر المد هم می‌گویند - از دیگر تصرفاتی است که فارسی‌زبانان بر روی وام واژه‌ها اعمال نموده‌اند، در کلماتی همچون: عطاء، وفاء، بلاء، دواء، حنّاء، بناء، دعاء، سخاء، غوغاء، قضاء:

نه چون پور میر خراسان، که او عطا را نشسته بود کردگار
(دیوان شعر رودکی، شعار: ص ۲۷)

- تخفیف آخرین حرف مشدد کلمات عربی، مانند: غم، صف، قد، کف، نبی، ولی، یم، خاص، قوی:

به روز نیک کسان گفت تا تو غم نخوری
بسا کسا که به روز تو آرزومند است
(دیوان شعر رودکی، شعار: ص ۱۶)

البته گاه به همان شکل مشدد بکار رود:

ور به بلور اندرون بینی، گویی
گوهر سرخ است به کف موسی عمران
(دیوان شعر رودکی، شعار: ص ۳۴)

- حذف حرف «ی» از پایان کلمات ناقص عربی

میدانیم اسم فاعل ثلاثی مجرد از ریشه‌های معتل اللام (ناقص واوی و یایی) به حرف یاء ختم میشود و این حرف در حالت رفعی و جری - در اسم فاعلهایی که با الف و لام و مضاف الیه همراه نیستند - حذف میشود، مانند قاض. گویشور فارسی در برخی نمونه‌ها ظاهراً این حذف را به کاربردهای دیگر هم تسری داده است و برای نمونه «صافی - صاف» را گاه به صورت «صاف» و گاه «صافی» به کار میبرد:

چون بنشیند تمام و صافی گردد
گونه یاقوت سرخ گیرد و مرجان
(دیوان شعر رودکی، شعار: ص ۲۴)

صاف بُد آمیخته با دُرِ می
بر سر خُم رفت و جدا شد ز دُر
(دیوان شعر رودکی، شعار: ص ۱۸)

- حذف همزه قطع از آغاز کلمه

در یک مورد (واژه «امیر») همزه آغازین را - شاید به سبب کثرت استعمال - گویی همزه وصل تلقی کرده و نه تنها در گفتار که در نوشتار هم آن را برداشته‌اند:

اثر میر نخواهم که بماند به جهان
میر خواهم که بماند به جهان در اثرا
(دیوان شعر رودکی، شعار: ص ۱۲)

- ترکیب‌سازی با کلمات عربی

اسم عربی + ضمیر پیوسته فارسی، مانند: غمت، هیبتش، نشاطت، طبعم، عاشقت، عزیزم، دولتت:

از ناخن دست خسته کردم دل و جان
فریادرس غمت نه این بود و نه آن
(دیوان شعر رودکی، شعار: ص ۶۰)

اسم عربی + پسوند «گاه» مانند: سحرگاه:

به حق نالم ز هجر دوست زارا سحرگاهان چو بر گلین هزارا
(دیوان شعر رودکی، شعار: ص ۱۱)

اسم عربی + بن مضارع فارسی (صفت فاعلی مرکب مرخم)، مانند: توبه‌شکن، ملوک‌فریب،
وقت‌شمار:

آمد آن نوبهار توبه‌شکن پرنیان گشت باغ و برزن و کوی
(دیوان شعر رودکی، شعار: ص ۱۰۱)

اسم عربی + پسوند «تر»، مانند: عجیتر، قویتر:
این عجیتر که مینداند او شعر از شعر و خُنب را از خَن
(دیوان شعر رودکی، شعار: ص ۶۱)

پیشوند «بی» + کلمهٔ عربی، مانند: بی‌وفا، بی‌خبر:
با خردومند، بی‌وفا بود این بخت خویشتن خویش را بکوش تو یک لخت
(دیوان شعر رودکی، شعار: ص ۵۳)

۲-۶. **تغییرات معنایی:** از جمله تصرفات ایرانیان در وام‌واژه‌های عربی، تصرف معنایی است؛ بدین صورت که فارسی‌زبانان گاه کلمهٔ عربی را در معنایی غیر از آنچه که در زبان مبدأ رایج است، به کار می‌برند. ذکر همهٔ موارد این وام‌واژه‌ها در اشعار بازمانده از رودکی، از حد این مقال خارج است اما تا آنجا که سخن را مجال باشد، به بررسی مواردی از این تصرفات می‌پردازیم.

الزُّلْفَةُ: الطائفة من أول الليل، والجمع زُلفٌ وزُلفاتٌ. ابن سیده: وزُلفُ الليل: ساعات من أوله، وقيل: هي ساعات الليل الآخذة من النهار وساعات النهار الآخذة من الليل. (لسان العرب، ابن‌منظور: ذیل زلف)

زُلف: موی سر، گیسو. (فرهنگ فارسی معین، معین: زلف)
زُلف در اصل به ضم اول و فتح لام، لفظ عربی است. جمع زُلفَة به معنی پارهٔ شب است و فارسیان عربیدان به تصرفات خود به سکون لام خوانند و مجازاً به مناسبت سیاهی، اطلاق مشبّه، به مشبّهٔ به کرده و موی مخصوص قریب گوش را زُلف گویند. (لغت نامهٔ دهخدا، دهخدا: زلف)

با دقت در مطالب فوق میتوان چنین گفت که واژهٔ «زلف» از نظر معنایی و نیز لفظی در زبان فارسی تغییر یافته و در تداول فارسی‌زبانان به معنای «موی سر، گیسو» به کار میرود. به زُلفِ کزّ و لیکن به قدّ و قامت راست به تن درست و لیکن به چشمکان بیمار
(دیوان شعر رودکی، شعار: ص ۵۶)

- کاربرد کلمات جمع عربی در معنی مفرد، مانند «خُلُقَان» که جمع «خَلَقَ» به معنی کهنه و فرسوده است (شیءٌ خَلَقٌ: بال، الذکر والآنثی فیہ سواء والجمع خُلُقَانٌ وَأَخْلَاقٌ - «لسان العرب، ابن‌منظور: ذیل خلق») و برای موصوف مفرد آمده است:

کهن کند به زمانی همان کجا نو بود
و نو کند به زمانی همان که خُلُقَان بود
(دیوان شعر رودکی، شعار: ص ۳۲)

و نیز «حَرَسَ» که جمع «حارس» به معنی نگهبان است و صفت «مرد» قرار گرفته است:

مردِ حَرَسِ کُفک‌هاش پاک بگیرد
تا بشود تیرگیش و گردد رخشان
(دیوان شعر رودکی، شعار: ص ۳۳)

رودکی خود در ادامه سروده همین «مرد نگهبان» را به کار میبرد:
آخر کارام گیرد و، نچخند تیز
درش کند استوار، مردِ نگهبان
(دیوان شعر رودکی، شعار: ص ۳۳)

- کاربرد مصدر به جای صفت در ساخت صفت تفضیلی، چنانکه «عجبتَر» را به جای «عجیبتَر» آورده است:

این عجبتَر که مینداند او
شعر از شعر و خُنب را از خَن
(دیوان شعر رودکی، شعار: ص ۶۱)

۳-۶. تغییرات دستوری

«کلمات عربی در فارسی گاه تغییر طبقه دستوری می‌دهند. به عنوان مثال اسم کار صفت و قید، صفت کار اسم و قید، حرف کار قید، فعل کار قید را انجام می‌دهد» (عربی در فارسی، فرشیدورد: ص ۱۸۵). در اینجا ما با توجه به سروده‌های بازمانده از رودکی به ذکر نمونه‌ای از این موارد می‌پردازیم.

- اسم در نقش قید

کلمه «القصة» در سیاق فارسی برای تخلیص و وصل به کار می‌رود و مترادف «باری، خلاصه» است.

القصة که از بیم عذاب هجران
در آتش رشکم دگر از دوزخیان
(دیوان شعر رودکی، شعار: ص ۶۰)

۷. بررسی کاربرد امروزی کلمات عربی به کار رفته در شعر رودکی

برخی از وام‌واژه‌های مورد استفاده رودکی امروزه متروک شده، نه در زبان روزمره که در زبان ادبی فارسی هم به کار نمی‌رود؛ کلماتی همچون «فوات - مرگ»، «کاسد - بی‌رونق»،

«کئیب - اندوهگین»، «نقاط - نفت‌انداز»، «رطیب - نمناک»، «مطیر - بارانی»، «مغفر - کلاهخود»، «نقط - نقطه‌ها»، «جمّاش - دلفریب» «بدره - خریطه‌ای از جامه یا گلیم که طول آن از عرضش بیشتر باشد»، «باحور - بخاری که در هوای گرم از زمین برخیزد»، «رطل - واحدی است برای وزن»، «شعر - موی»، «قطران - مایع روغنی شکل و چسبنده»، «رایض - رام کننده ستوران»، «مدخل - پست، لئیم»، «مشهر - معروف شده»، «مجیب - اجابت کننده»، «صعوه - پرند‌های کوچک شبیه گنجشک»، «حُملان - ستور باردار که به کسی بخشند»، و «خُلّان».

نتیجه

- کلمات عربی دخیل در شعر رودکی بیشتر از نوع اسم بوده که در برخی از موارد بدون تغییر و تصرف به کار رفته‌اند و در بعضی موارد دیگر دستخوش تغییرات لفظی و معنایی شده است.

- در زمان رودکی وام‌واژه‌ها و ترکیب‌های عربی یا عربی - فارسی کمتر از ده درصد کلمات و ترکیبات زبان شعر فارسی بوده است.

- شمار ترکیبات فارسی - عربی در سروده‌های رودکی به مراتب کمتر از واژه‌های عربی مفرد است.

- تغییرات لفظی در واژه‌های عربی اشعار رودکی به مراتب بیش از تغییرات معنایی است. - در اشعار مسلم رودکی، ۳۸/۰۴ درصد، مربوط به ابیاتی است که همهٔ کلمات آنها فارسی است و ۶۱/۹۶ درصد ابیاتی هستند که در آنها کلمات فارسی، عربی و ترکیبات فارسی - عربی به کار رفته است.

- بررسی آماری (شمارش کلمات شعر بازمانده از رودکی و تفکیک واژه‌های عربی از فارسی) در این پژوهش، نشان می‌دهد که متوسط کاربرد وام‌واژه‌های عربی در بیت‌های رودکی، دو واژه در هر بیت است. با این محاسبه میتوان در انتساب بیت‌هایی که بیش از چهار واژهٔ عربی در آنها به کار رفته، تردید کرد. بنابراین کاربرد بیش از چهار واژهٔ عربی در ابیات زیر، یکی از معیارهایی است که با توجه به آن میتوان در انتساب این ابیات به رودکی تردید کرد:

مجنون داند که حال مجنون چون است
(دیوان شعر رودکی، شعار: ص ۱۰۸)

لیلی صفتان ز حال ما بی‌خبرند

طرب‌بخش روحم، فرح زای جانم
(دیوان شعر رودکی، شعار: ص ۱۱۹)

به صوت و نوا و به صیت و معانی

زلفت <u>عنبر</u> ، <u>صدف</u> دهان، <u>دُر</u> دندان (دیوان شعر رودکی، شعار: ص ۱۲۲)	رویت دریای <u>حُسن</u> و <u>لعلت</u> <u>مرجان</u>
به <u>جرم حُسن</u> <u>چو یوسف</u> <u>اسیر</u> زندانی (دیوان شعر رودکی، شعار: ص ۱۲۹)	به <u>حُسن صوت</u> <u>چو بلبل</u> <u>مقید</u> <u>نظم</u>
<u>عید آمد</u> و <u>آمد می</u> و <u>معشوق</u> و <u>مَلاهی</u> (دیوان شعر رودکی، شعار: ص ۱۳۰)	شد <u>روزه</u> و <u>تسبیح</u> و <u>تراویح</u> به یک جای
ترسا به <u>أسقف</u> و <u>علوی</u> به <u>افتخار</u> <u>جد</u> (دیوان شعر رودکی، شعار: ص ۱۱۰)	مکّی به <u>کعبه</u> <u>فخر</u> کند، <u>مصریان</u> به نیل

منابع

۱. ابیات عربی در متون ادب فارسی، فقیهی، حسین، تهران، دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۱.
۲. الأدب المقارن، ندا، طه، بیروت، دار النهضة العربیة، ۱۹۹۱ م.
۳. بررسی املائی، معنایی و بسامدی کلمات و عبارات عربی در گلستان سعدی، یزدان‌زاده، ثویبه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان، بهمن ۱۳۹۰.
۴. دیوان رودکی سمرقندی، رستم، قادر، ترجمه شاه منصور شاه میرزا، تهران، مؤسسه فرهنگی اکو، ۱۳۹۱.
۵. دیوان شعر رودکی، شعار، جعفر، چ ۵، تهران، قطره، ۱۳۹۰.
۶. عربی در فارسی، فرشیدورد، خسرو، چ ۵، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۷.
۷. فرهنگ فارسی معین، معین، محمد، چ ۱، تهران، کتاب پارسه، ۱۳۸۷.
۸. لسان العرب، ابن‌منظور، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۰ هـ.
۹. لغت‌نامه دهخدا، دهخدا، علی اکبر، تهران، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۲۵.

منابع مورد استفاده

- در این بخش منابعی ذکر میشود، که در فراهم آوردن این پژوهش از آنها بی‌نیاز نبوده‌ایم ولی در متن مقاله بدانها ارجاع نداده‌ایم:
۱. قرآن کریم
 ۲. المعرب من الکلام الاعجمی علی حروف العجم، جوالیقی، ابن منصور، دار القاع، ۱۹۹۰ م.
 ۳. دیوان رودکی، منصور، جهانگیر، تهران، ناهید، ۱۳۷۳.
 ۴. دیوان رودکی بر اساس نسخه سعید نفیسی، ی. براگینسکی، تهران، نگاه، ۱۳۷۳.

۵. سه بیت تازه از رودکی، صادقی، علی اشرف، نامهٔ فرهنگستان ۴۵، دورهٔ دوازدهم، شمارهٔ اول، بهار ۱۳۹۰، ص ۱۶-۱۸.
۶. فرهنگ واژه‌نمای حافظ، صدیقیان، مهین دخت، ابوطالب میرعابدینی، چ ۳، تهران، سخن، ۱۳۸۳.
۷. محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی، نفیسی، سعید، تهران، ابن سینا، ۱۳۴۱.
۸. واژه‌های فارسی عربی شده، ادی شیر، ترجمهٔ سیدحمید طیبیان، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۶.